

تعلیم و تربیت در ایران باستان

بخش سوم: اهمیت تشکیل خانواده

پژوهش‌گر: فروغ شاهرودی

در دوران ایران باستان، اولین مرحله‌ی تربیت افراد، تربیت در خانواده بود. خانواده در قبال تعلیم و تربیت و یاد دادن آداب به فرزندان وظایف سنگینی بر عهده داشت. در این بخش، نخست به ارزش و اهمیت تشکیل خانواده و ویژگی‌های آن از نظر جامعه‌ی ایران باستان و از دیدگاه کتاب مقدس اوستا می‌پردازیم.

در وندیداد فرگرد ۴، فقره ۵۰ آمده است: «هر آینه اگر در این گیتی، کسی دانسته بدون زن و خانواده و فرزند باشد، باید استخوانش با کارد آهنی بریده شود بلکه آن تن قابل مرگ مستحق بیش از آن است». از آن جا که خانواده اساس تشکیلات اجتماعی است لذا، سلامت آن اهمیت بسیار دارد. این امر در ایران باستان هم مورد توجه بود و به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده توجه فراوان می‌شد.

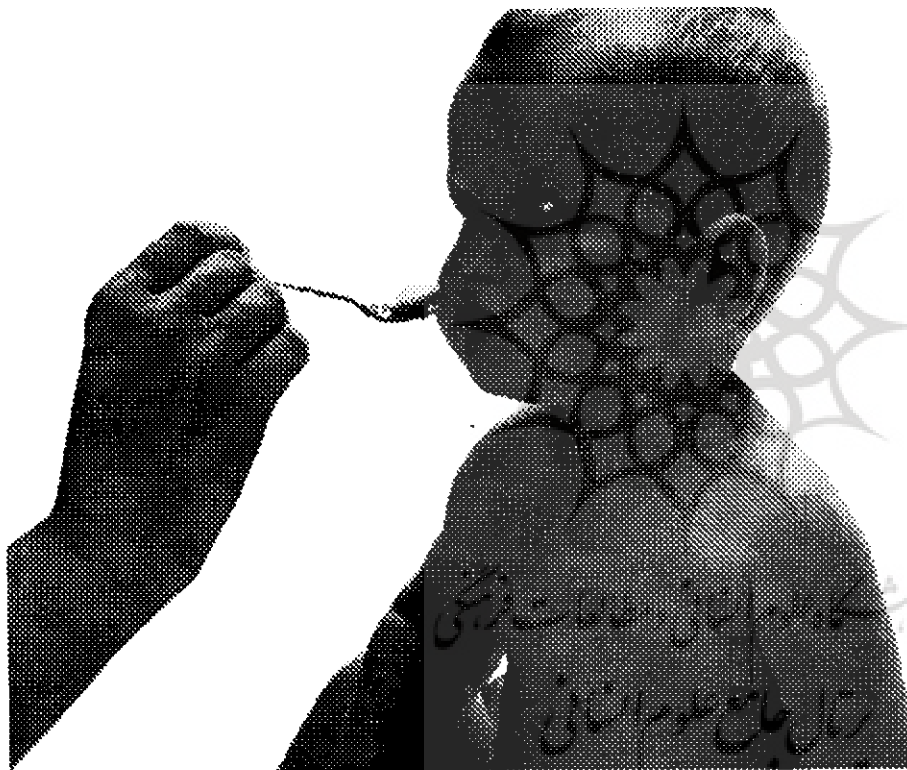
چنان که از منابع اوستا بر می‌آید، دوشیزگان

آغاز تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان در ایران باستان از خانواده و از دامن مادر شروع می‌شد.

دوره کیانی به شوهران نیرومند مایل بودند؛^۱ و البته این آرزو به اصلاح نژاد بسیار کمک می‌کرده است. در مورد زنان، اولین انتظار شوهر از زن، عفت و نیک نامی بود. زرتشت از اهورامزدا پرسید: کیست آن که

بیش‌تر تو را افسرده می‌سازد. اهورا مزدا پاسخ گفت: ای زرتشت آن کس زن بدکار است.^۲ لذا از زنان درست‌کار ستایش شده است: «این زمین را با زنانی که بر روی آن

ای اهورامزدا ما می‌ستاییم زنان فرمان‌بردار و با محبت را».^۴ هرودوت و استرابون ذکر می‌کنند که بیش از یک زن گرفتن نیز مرسوم بود. این امر به



زندگی می‌کنند می‌ستاییم. ای اهورا مزدا ما می‌ستاییم زنانی را که در اثر درست‌کاری و راستی نیرومند شده‌اند».^۳

دیگر این که، از زنان فرمان‌برداری و محبت انتظار می‌رفت. «زنان پارسایی را می‌ستاییم که بسیار نیک اندیش، بسیار نیک گفتار، بسیار نیک کردار، به خوبی تعلیم یافته و فرمان‌بردار شوهر خود و درست‌کار باشند.

ظاهر برای به دست آوردن فرزندان بسیار بوده».^۵

البته در آیین زرتشتی ازدواج بین نزدیکان جایز بود و این شاید به خاطر پاکی نژاد بود. از آن جا که به تدریج ملت‌های غیر آریایی در بین ایرانی‌ها زیاد شده بودند، حکم

۴ خرده اوستا، گاه ایوه سرتیرم، ص ۳۹

۵ هرودوت کتاب اول و استرابون کتاب سوم، به

نفل از سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۲۸۹

۲ وندیداد، مزگرد ۱۸، فقره ۶۱ و ۶۲

۳ خرده اوستا، هفتن یشت، ص ۶۷

۱ رام یشت، کرده ۱۰، فقره ۴۰



زرتشت به منظور ازدواج بین خود ایرانی‌ها و پاک نگاه داشتن خون بوده است.

وظایف و مقام زنان

در ایران باستان چون مردان بیشتر گرفتار زد و خورد با اقوام مجاور بودند و یا برای شکار از محل سکونت خود دور می‌شدند، زنان مسؤل اداره خانه و تهیهی آذوقه و تربیت اطفال و حتی انجام امور کشاورزی بودند.

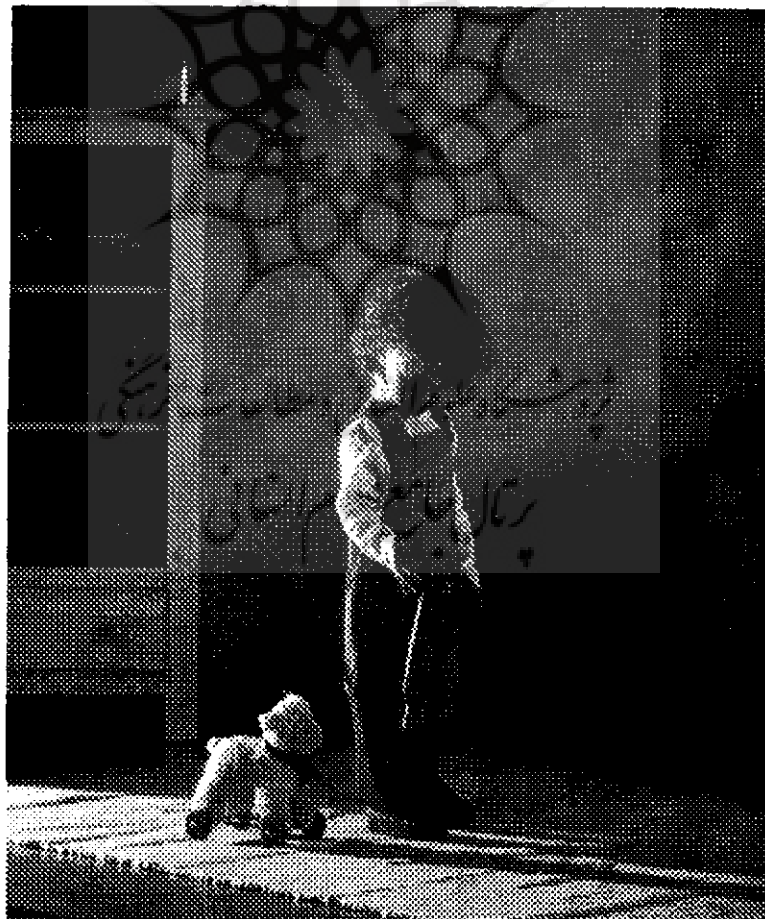
به طور کلی، در تمدن ایران باستان، مقام زنان بالاتر از سایر تمدن‌ها بود. زن همیشه به عنوان بانوی خانه مورد احترام مرد بود. به همین جهت، خرید و فروش زن آریایی در میان طوایف آریایی در هیچ دوره جایز نبود، ولی زنان اقوام دیگر را خرید و فروش می‌کردند.

از قول «کورتیوس» Curtius آمده است که «فرزندان در حضور مادر بدون اجازه نمی‌نشستند». «کتزیاس» Ctesias نیز نقل کرده است «کوروش هر احترامی که در خور مادری بود به مادرش روا داشت و در هنگام مرگ به فرزندان خود وصیت کرد که در هر کار فرمان بردار مادر خود باشند»^۷ به طور کلی در اوستا، مردان و

زنان پارسا با هم ذکر و ستایش شده‌اند. «ما همه فروهران و روان‌های زنان و مردان پارسا و راست را می‌ستاییم».^۸

اهمیت فرزندان و ویژگی‌های آن‌ها
هرودوت گوید «در نظر ایرانی‌ها، بزرگ‌ترین افتخارات به جز شجاعت در جنگ، داشتن فرزندان متعدد بوده».^۹ استرابون نیز گوید «پادشاه هدایای سالانه به خانواده‌هایی می‌فرستاد که فرزندان بسیار داشتند».^{۱۰}

داریوش، پادشاه هخامنشی، برای آن که کتیبه‌های او از دستبرد محفوظ باشد، از اهورا مزدا برکت فرزندان بسیار می‌طلبید.



مادران کانون تربیت فرزندان در خانواده هستند.

«کتیبه بیستون، ۴:۵۶». در ایران باستان به فرزند پسر اهمیت بیش‌تری داده می‌شد: «ایرانیان اوستایی بیش‌تر خواستار پسر بودند زیرا، پسر در مقابل حوادث و مخاطرات و دشمن، پشتیبان پدر و حافظ خاندان بود و از همین روی، تولد پسر با جشن و ضیافت همراه بود».^{۱۱}

از جمله ویژگی‌هایی که برای فرزندان لازم می‌دانستند ادب، دانایی و وظیفه‌شناسی بود. در این باره آمده است «ای اهورامزدا فرزندی به من عطا فرما که با تربیت و دانا بوده، در هیأت اجتماعی داخل شده و به وظیفه‌ی خود رفتار نماید. فرزند رشید و محترمی که احتیاج دیگران را بر آورد، فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده و شهر و مملکت خود بکوشد».^{۱۲}

و البته از اهورا مزدا فرزندی می‌خواستند که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد «بده به من ای اهورامزدا فرزندان رسا و کاردان، آیین گستر کشور و انجمن آرا، با هم بالنده، نیک اندیش، از تنگنا رهاننده، خوب هوش که از برای من افزایش دهند خان و مان را، دیه را، شهر را و نام آوازه کشور را».^{۱۳}

بخش چهارم: مراحل تحصیل
در ایران باستان، آغاز تحصیل از سن پنج یا هفت سالگی شروع می‌شد. در این سن کودک برای

۱۱ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۳۶

۱۲ خرده اوستا، آتش ستایش، ص ۱۰۴

۱۳ یسنا، های ۶۲، فقره ۵

۸ یسنا، های ۲۶، کرده ۹

۹ هرودوت، کتاب اول، ص ۲۶

۱۰ استرابون، کتاب ۱۵، ص ۵۱

۶ اخلاق ایران باستان، ص ۸۱

۷ همانجا



وظیفه‌ی مادران در تربیت
فرزندانشان هیچ‌گاه به پایان
نمی‌رسید.

والدین از همان آغاز تولد کودک این بوده است که سه شب در نزدیکی او آتش می‌افروختند تا او را از خطر ناخوشی محفوظ دارند و تا چهل روز به هیچ‌وجه از طفل جدا نمی‌شدند؛ زیرا عقیده داشتند که در صورت جدا شدن، روان بیماری و بدی‌های دیگر به طفل آسیب خواهد رسانید.

البته کودکان در خانواده با ویژگی‌های قومی و ملی، آداب اولیه‌ی زندگی و احکام مذهبی آشنا می‌شدند. اما مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه را در خانواده در یاد دادن اصول اولیه‌ی زندگی و ویژگی‌های قومی، مادران برعهده داشتند. هرودوت می‌گوید «فرزندان تا شش سالگی باید در زیر دست مادران تربیت یابند تا شایسته‌ی ورود در آموزشگاه رسمی شوند».^{۱۵} اما حتی بعد از فرستادن به آموزشگاه نیز وظیفه‌ی مادر در تربیت کودکان به پایان نمی‌رسید. در واقع بایستی آموخته‌های آموزشگاه و آموزش‌های خانواده با هم توافق داشته باشد

همان‌گونه که بیان شد، اولین مرحله‌ی تربیت افراد در خانواده بود. مادران و پدران از بدو تولد کودک، مسؤل توجه و رسیدگی به او بودند و این امر به تدریج با رشد کودک شامل تعلیم و تربیت او می‌شد.

در وندیداد، فرگرد ۳، فقره ۳۱ آمده است که مادر و پدر در دعا‌های خود از خداوند درخواست می‌کردند که فرزند آن‌ها را توفیق دهد تا با قوت و شادمانی رشد کند.

در موقع تولد چند قطره «پاراهوم»^{۱۴} Para Hom به طفل می‌خوراندند و گاهی نیز به جای آن، کمی از شاخه‌ی «اوروران»^{۱۴} Urvaran و «هوم» را با هم ساییده با آب می‌آمیختند و قطره‌ای چند به طفل می‌خوراندند و معتقد بودند که تأثیر آن در طفل این است که او را با فضیلت و عاقل و هوشمند خواهد ساخت. نمونه‌ای دیگر از جزئیات توجه و مراقبت

آشنایی و سپری کردن مراحل آموزش عمومی به مراکز آموزشی می‌رفت. دوره آموزش عمومی تا پانزده سالگی بود. پس از آن دوره آموزش‌های اختصاصی آغاز می‌شد و این مرحله تا سپری کردن علوم عالی و تالیست و پنج سالگی ادامه می‌یافت. بدین ترتیب، مراحل تعلیم و تربیت کودکان به سه دوره تقسیم می‌شد:

مرحله‌ی اول از یک تا هفت سالگی

مرحله‌ی دوم از هفت تا پانزده سالگی

مرحله‌ی سوم از پانزده تا بیست و پنج سالگی

البته مرحله‌ی اول به آموزش در خانواده مربوط می‌شد و مراحل بعدی در آموزشگاه سپری می‌شد.

سن بلوغ نیز پانزده سالگی بود. سن پانزده سالگی در اوستا مهم‌ترین مرحله‌ی سنی شمرده شده و سابقه‌ی آن نیز در نزد ایرانی‌ها معروف بود. این سن، سن رشد و مسؤلیت بوده است. به علاوه، این سن بهترین اوقات عمر آدمی شمرده شده است. در یسناهای ۹، فقره ۵ آمده است که در عهد سلطنت

جمشید پسر ویونگهان، پدر و پسر هر دو پانزده ساله می‌نمودند. در فقره ۱۳ در تیریش نیز آمده است که تشر، فرشته‌ی باران، به ترکیب جوان پانزده ساله در فروغ پرواز می‌کند. در بهرام یشت، فقره ۱۷ نیز آمده است که بهرام، ایزد پیروزی، به شکل جوان پانزده ساله خود را به زرتشت نشان داد.

در فصل ۳۰ بندهش، فقره ۲۶ مندرج است که در رستاخیز کودکان به سن جوان پانزده ساله و مردان به سن چهل ساله برخیزند.



۱- تعلیم و تربیت در خانواده



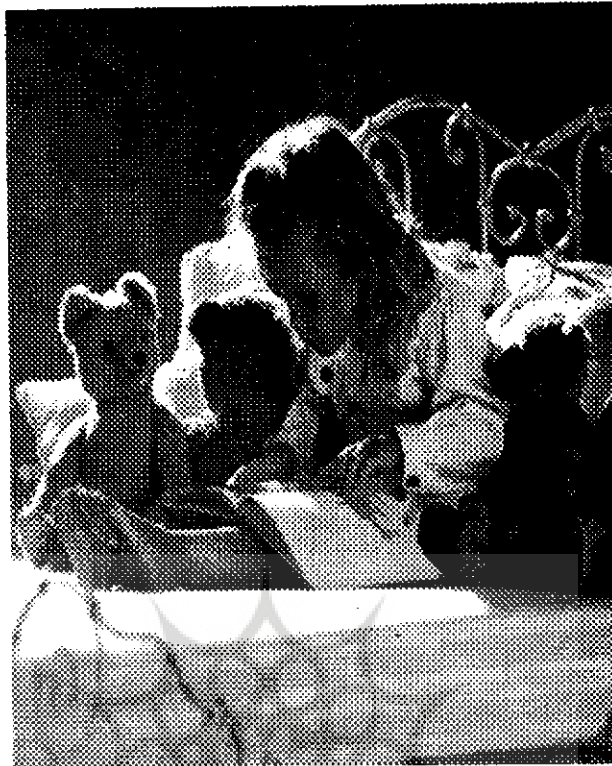
درست و نیک است، آن گاه باید آن را به کار بندد.^{۱۹}

البته «به پسران در خانه اهمیت خویشتن داری و به دختران فنون خانه‌داری تعلیم داده می‌شود».^{۲۰}

اما به زنان از جهت مسؤولیت و وظایفی که در بارداری و سپس تربیت فرزندان داشته‌اند، توجه شده است. در خرده اوستا آمده است: «فَرَوَهَر (Faravahar) نیک و توانا و مقدس درست کاران را می‌ستاییم. زنان صاحب فرزند زیاد و خانمان دل‌بند رامی‌ستاییم».^{۲۱}

البته در ایران باستان اهمیت و تأکید زیاد در تربیت دختران، برای انجام خانه‌داری و انجام وظایف مادری بود. زیرا در نظر آنان خانه‌داری و کدبانویی به مثابه‌ی انجام وظایف دینی شمرده می‌شد. با این وجود، به آموزش و دانش دختران نیز اهمیت داده می‌شد. در دوره کیانی «دختران طبقات ممتاز و متوسط، خواندن و نوشتن می‌آموختند. برخی نیز در موضوع‌های عالی تحصیل می‌کردند».^{۲۲} از جمله علوم عالی‌هی آن زمان، ادبیات، موسیقی و علوم نظری بود. دختران همچنین «سوارکاری و چوگان‌بازی نیز می‌آموختند».^{۲۳}

۱۵امه در شماره آینده



کودکی معنای مرموز و تمديد عادات ملی را داشت».^{۱۷}

بدین ترتیب، آتش و اجاق خانواده، از جمله آرمان‌های ملی و مذهبی ایرانیان اوستایی بود و از کودکی با این آرمان‌های ملی و معنوی بزرگ می‌شدند.

تعلیم و تربیت دختران

از منابع موجود بر می‌آید که در دوران باستان در ایران به تعلیم و تربیت افراد، اعم از دختران و پسران، هر دو توجه می‌شد. در یسنا آمده است: «ای اهورامزدا به من فرزندی عطا کن که از عهده انجام وظیفه نسبت به خانه، شهر و مملکت من برآمده و پادشاه دادگر مرا یاری کند».^{۱۸}

در اوستا نیز به مردان و زنان هر دو خطاب می‌شود: «آنچه را که مرد یا زنی دانست که

و ملزم به همدیگر شوند. از جمله موارد دیگری که از وظایف خانواده شمرده می‌شد، حفظ آتش بود. این امر اثر تربیتی بسیاری داشت به علاوه در ماندگاری فرهنگ و تمدن ملی نیز مؤثر بود. مراقبت از آتش‌خانه - که در هر خانمانی وجود داشت - با بزرگ خانواده بود.

فرشته‌ی مخصوص آتش «اشاوهیشتا» یا اردیبهشت بوده است. معنای آن «بهترین پاکی و بی‌آلایشی» می‌باشد. البته احترام و مراقبت آتش خانوادگی از زمان‌های بسیار قدیم یعنی قبل از عصر زرتشت در بین ایرانی‌ها وجود داشته است.

به هر حال نگاهداری آتش از وظایف مذهبی و سنن ملی به شمار می‌رفته است. نوشته‌های اخلاقی و کتاب‌های متعدد تربیتی مراقبت و احترام به آتش را در حیات فردی و قومی چنین ذکر کرده‌اند: «دیده‌بانی دایمی آتش، برای این که مبدا خاموش شود، آن‌ها را برای آمادگی دایم تربیت می‌کرد. از سوی دیگر، چون لازم بود هر سحرگاه آتش را تقویت کنند تا مبدا خاموش شود، آن‌ها را به سحرخیزی عادت می‌داد. برافروختگی دایمی آتش، آن‌ها را به نبرد دایمی با پستی‌های اخلاقی و آنچه نشانه‌ی اهریمنی است یادآور می‌شد. پاسبانی آتش به علاوه نشان دهنده این امر بود که سایر ایرانی‌ها نیز در هر جای کشور مشغول انجام همان وظیفه هستند. به هر حال تمامی این اهداف مشترک، برای هر زرتشتی از

۱۹ یسنا، های ۳۵، فقره ۶

۲۰ تاریخ فلسفه تربیتی، ص ۹۲

۲۱ خرده اوستا، ص ۳۷

۲۲ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۱۰۳

۲۳ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۷۹

۱۷ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۳۷

و ۲۸

۱۸ یسنا، های ۶۲، فقره ۵

۱۶ یسنا، جلد دوم، ص ۱۲۲ الی ۱۲۶